

بولتن کارگری هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>

به پیشواز سال گرد قیام ژینا برویم



درود به همقطاران و کارگران غیور خوزستان

شماره ۲۷ بولتن کارگری هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست خوزستان، ۲۴ شهریور ۱۴۰۲ انتشار می یابد و در دسترس شما قرار می گیرد. بولتن کارگری را تکثیر و توزیع کنید و در اختیار همقطاران خود قرار دهید.

رفقا و همقطاران کارگر

سال گرد قیام مردمی ژینا نزدیک می شود و این روزها به هر طرف که بچرخیم سپاهی می بینیم و ارتشی می بینیم و امنیتی. استان های غربی که شده مثل فلسطین اشغالی. در جاده ها، رفت و آمد خودروها و زره پوش های ارتشی دیگر برای سرکوب، آن قدر زیاد شده که دیدن هرروزه آن ها دیگر از "بر حسب اتفاق دیدن" گذشته.

در هر جاده ای که رانندگی کنیم، به خصوص جاده هایی که به سمت کردستان، آذربایجان، بلوچستان و خوزستان می روند، این نیروها را می بینیم که در حال آمدورفت هستند. در خیلی از شهرها و توی میدان های اصلی نیروهای مسلح کشیک

می دهند تا به خیال خام خودشان مردم جرئت اعتراض نکنند؛ به قول معروف می خواهند با این اقدامات از مردم چشم‌زهر بگیرند. البته، ترسشان بی مورد هم نیست. آن‌ها هنوز خاطره قیام سال گذشته را فراموش نکرده‌اند که به مدت چهار ماه خواب راحت از چشمانشان گرفته بود. این‌ها گمان می‌کردند، یا لاقلاً این‌طور وانمود می‌کردند که اوضاع امن و امان است و سروصداها خوابیده. اما ما باور نمی‌کنیم. اگر همه چیز امن و امان است، پس این همه جنب و جوش برای چیست؟ خودتان هم می‌دانید که این خاموشی مثل آتش زیر خاکستر است.

این‌ها به خوبی می‌دانند که اگر ما همان سال پیش سازمان دهی کافی داشتیم و پیشاپیش تدارک دیده بودیم کارشان همان پارسال تمام شده بود. سال ۹۶ و ۹۸ هم همین‌طور. بی‌خود نیست که از یکی دو ماه پیش دستگیری‌ها را شروع کردند و فعالین شناخته شده را به دادگاه‌ها احضار می‌کنند و یک دموورد هم در خیابان با گلوله ناشناس به قتل رساندند.

داریم به سال‌گرد قیام نزدیک می‌شویم و همه این سازوبرگ‌ها و لشکر و لشکرکشی‌ها نشان می‌دهد که حکومت واقعا به وحشت افتاده که این‌طور دست‌وپا می‌زند. ما که فراموش نکردیم سال پیش عرصه به این‌ها چنان تنگ شده بود که برخی از گردن کلفت‌هایشان شال و کلاه کردند و حتی بعضی‌ها زن و بچه‌هایشان را به خارج فرستادند. همه این‌ها پاسپورت‌ها و ویزاهایشان پیشاپیش آماده توی کشوی میز است و همه دعوای زرگری با غرب و شرق هم فقط برای فریب من و شماست.

همین امروز هم که دولت‌های غربی دارند توی مجلس‌ها، روزنامه‌ها و تلویزیون‌های سفارشی‌اشان برای ژینا و مردمی که سال گذشته کشته شدند اشک تمساح می‌ریزند، از زیر میز شش میلیارد دلار واریز می‌کنند به حساب جمهوری اسلامی که بیش‌تر سلاح و فشنگ بخرد و جوان‌های بیش‌تری را به خاک و خون بکشد. همان شیطان بزرگی که معرف حضورتان هست همین امروز هم دارد از این ناخوب‌ها پشتیبانی می‌کند، درست مانند همان کاری که در افغانستان کردند. از یک طرف برای حقوق بشر مردم افغان سینه می‌زدند و از طرف دیگر افغانستان را دودستی توی یک تشت طلا، تحویل طالبان‌های آدم‌خوار می‌دادند. ما باید فقط به خودمان اتکا داشته باشیم

همه این‌ها را گفتیم که برسیم به سر اصل مطلب

برادران و همقطاران کارگر

ما در سال گذشته جوان‌های زیادی را از دست دادیم. در سال‌های ۹۶ و ۹۸ هم همین‌طور. شکی نیست که همه مردم از زنان و دانشجویان گرفته، تا بازنشسته‌ها، کسبه جزء و معلمان در این قیام شرکت داشتند. آن‌ها جان‌فشانی کردند، خون دادند، خون‌هایی که نباید به هدر برود، ولی هر بار شکست خوردیم. اما نباید از این شکست‌ها ناامید شد. باید از این تجربه‌ها درس گرفت، و ما درس‌های باارزشی گرفتیم.

تجربه سه حرکت سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ به ما یاد داد که برای پیروزی باید سازمان دهی داشت، باید تدارک چید؛ وگرنه این‌ها که امروز قدرت دارند، تشکیلات دارند و اسلحه دارند ما را سرکوب می‌کنند. وقتی می‌گوئیم سازمان دهی منظورمان این نیست که فی‌الغور، و یا حداکثر شب قبل تصمیم بگیریم: فردا کجا جمع شویم و چه ساعتی جمع شویم و از این قبیل تصمیم‌ها، بلکه تصمیماتی بزرگ‌تر از این، قدم بعدی ما چیست؟ چه شعاری می‌خواهیم بدهیم؟ اگر خاک‌ریزی به دست ما افتاد چه طور می‌خواهیم آن‌را حفظ کنیم؟ چه طور باید بین خودمان هماهنگی کنیم و در زمان مناسب اعتصابات هم‌زمان خود را به خیابان‌ها بکشانیم؟ چه طور می‌شود جلوی دستگیری‌ها را گرفت و اگر کسی دستگیر شد چه کسانی وظیفه نجات او را به عهده دارند؟ کجا باید به جای دفاع حمله کرد؟ و چه طور می‌شود اگر ضرورت داشت اسلحه تهیه کرد؟ و چه طور این اسلحه دست آدم‌اهلش برسد که بلبشو به راه نیفتد؟ این‌ها تصمیماتی هستند که غی شود فی‌الغور وسط خیابان گرفت. باید از پیش مقدماتش را آماده کرد.

ما فهمیدیم که آرام‌شدن فضای کارخانه‌ها و تمام‌شدن اعتصاب‌ها وقتی که مردم به خیابان می‌آیند، به ضرر ما تمام می‌شود و نیروی سرکوب دشمن را آزاد می‌کند که کارخانه‌ها را رها کرده و به سراغ خیابان‌ها برود. از طرف دیگر موفق می‌شود که با مشغول کردن ما در کارخانه، راه ارتباط بین کارگران و جوانان خیابان را مسدود کند، به خصوص ارتباط با دانشجویان که این چند ساله اخیر در همه اعتراض‌ها در صف اول بوده‌اند.

فهمیدیم که اعتصاب ما پایه‌های اقتصادی دولت را به لرزه می‌اندازد. آن‌ها ناچارند به نیروهای سرکوب خودشان حقوق بدهند. این پول از کجا می‌آید؟ ما می‌سازیم، توی معادن، توی پالایشگاه‌ها، کارخانه‌ها. ما تولیدات این‌ها را بار کشتی‌ها و قطارها می‌کنیم تا صادر کنند. اگر ما دست از کار برداریم ماشین سرکوب این‌ها هم از کار می‌افتد و نیروهای سرکوب ریزش می‌کنند. دیدید که! سال گذشته هم کم‌وبیش این اتفاق افتاد. این کارها سازمان می‌خواهد، تشکیلات می‌خواهد و علی‌رغم

آن که همه مردم در این مبارزه شرکت دارند اما وظیفه اصلی به دوش ماست. کارخانه متعلق به ماست و باید آنرا بدست خودمان اداره کنیم.

چرا می گوئیم به دوش ما؟ آیا داریم بقیه مردم را ندیده می گیریم؟ ابد! ما بدون وجود آن ها قادر نیستیم هیچ انقلابی را به ثمر برسانیم. تنها دلیل این ادعا، طبیعت دسته جمعی کار ماست که به ما این امکان را می دهد که این وظیفه را به نحو احسن به سرانجام برسانیم. برای ما امکان جمع شدن هرروزه بسیار آسان تر است. خصلت جمعی کار به ما یاد داده که چه طور دسته جمعی تصمیم بگیریم و چه طور این تصمیمات را سازمان دهی کنیم تا عملی شود. ما هم دیگر را می شناسیم و برای سال ها با هم کار کرده ایم و به هم اعتماد داریم. ما می توانیم هسته های مخفی مورد اعتماد خودمان را تشکیل بدهیم و با هم ارتباط بگیریم. ما می توانیم این شیوه سازماندهی را به درون محلات، اداره ها، زنان و دانشجویان ببریم.

ممکن است بعضی ها بگویند این مقدمات بیش از حد رویایی و مشکل خواهد بود: "امروز مردم ریخته اند توی خیابان و دارند این حکومت را ساقط می کنند و شماها صغراکبرا می چینید؟" مشکل بودن را قبول می کنیم، اما رویایی را، ابد! هر جا مردم با هدف هایی پاک و با شور و اشتیاق به خیابان ها آمدند و برنامه ریزی نداشتند، فرصت طلب ها نتیجه اش را بردند. همین ایران خودمان در سال ۱۳۵۷ بهترین نمونه ای است که مقابل چشمانمان قرار دارد.

رفقای کارگر امروز زمان آن رسیده که دست به کار شویم. حتی دنیا نیز به ما چشم دوخته است. مهم نیست که دفعه پیش باختیم و یا حتی ممکن است دفعه بعد هم ببازیم. مهم این است که از باخت هایمان درس بگیریم. از قدیم گفته اند:

چیزی که مرا از یادرنیاورد، قویترمان خواهد کرد.

فراموش نکنیم: ما بسیاریم و هر چه قدر این ها تلاش کنند که ما را از پایاندازند ما دوباره جوانه خواهیم زد.

***پیش به سوی ساختن هسته های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!**

***پیش به سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!**

***پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگران!**

***پیش به سوی تشکیل ستاد رهبری کارگری!**

هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)